یادداشت روز

آفتاب تابان از وین تا توکیو!

این روزها خبر سفر نخست‌وزیر ژاپن به ایران با تعابیری همچون «واسطه‌ای از سرزمین آفتاب تابان» به موضوع داغ رسانه‌های زنجیره‌ای تبدیل شـــده است. این رسانه‌ها با آب و تاب، سفر مقام ژاپنی را یک «سفر تاریخی»! نامیده و آن را «عامل دورشدن سایه جنگ از ایران»! و «مسبب بهبود اقتصاد کشور»! و «نشانه دیپلماسی قوی دولت»! جا می‌زنند.

در این میان، کلیـــدواژه «آفتاب تابان» ماجرای قابل تأملی دارد. توافق هسته‌ای میان ایران و ۱+۵ (برجام) در تیرماه ۹۴ در شهر وین، پایتخت اتریش امضاء شـــد. آقای روحانی- اسفند ۹۴- (حدود ۲ ماه پـــس از اجرای برجام) گفت:«برجام یک، مانند آفتاب تابان بود و اگر کسی چشمانش را می‌بندد و می‌گوید شب است، باید چشمانش را باز کند تا آفتاب را ببیند».

رئیس‌جمهور محترم، برجام را آفتاب تابان نامیده بود و منتقدان را به انکار دستاوردهای این توافق متهم کرد. رسانه‌های زنجیره‌ای نیز در آن مقطع با تیترهایی همچون «تحریم‌ها به تاریخ پیوست»، «فروپاشی تحریم»، «خلاص شدیم؛ سلام بر ایران بی‌تحریم»، «صبح بدون تحریم»، «تحریم‌ها تمام شد» و... به تعریف و تمجید از برجام پرداخته و مدعی شدند که به واســـطه برجام سرمایه خارجی به کشور سرازیر شده و مشکل رکود و بیکاری و گرانی نیز رفع می‌شود.

دولتمردان تاکید کرده بودند که به واسطه رویکرد دولت در دو حوزه اقتصاد و سیاست خارجی، ارزش پول ملی افزایش یافته و چنان رونقی در کشور ایجاد می‌شود که دیگر مردم هیچ نیازی به پول یارانه نداشته باشند. منتقدان با دلایل فنی و کارشناسی تاکید کردند که گره زدن معیشت مردم به توافق با آمریکا، اقدامی اشتباه و خسارت‌آفرین است؛ اما متاسفانه از جانب دولتمردان به جهنم حواله داده شدند!

قریب به سه سال از امضای برجام گذشت، آقای روحانی- اردیبهشت ۹۷- گفت:«چهار سال گذشته می‌رفتیم با گرفتاری فراوان اسکناس تهیه می‌کردیم، در هواپیما می‌گذاشتیم، بیمه می‌کردیم، در فرودگاه با ماشین مسلح ارز را در بانک مرکزی می‌آوردیم... صبح چند گونی دلار را به صرافی‌ها می‌دادیم، صرافی‌ها هم خداوند عاقبت همه ما را به خیر کند. چطور تقسیم می‌کردند و به کی می‌دادند؟ جنس‌هایی هست در میوه‌فروشی، وقتی پرتقال می‌آید میوه‌های خوب را زیر می‌گذارد و می‌گوید قبلاً فروختم! پرتقال خوب زیر می‌ماند برای از ما بهتران»!

«محمدجواد ظریف» وزیر امور خارجه- اسفند ۹۷- در مصاحبه با روزنامه سوییسی «بازلر تسایتونگ» صراحتا اعلام کرد که فروش نفت ایران در مقایسه با قبل از توافق هسته‌ای، کمتر شده است.

«عبـــاس عراقچی» معاون سیاســـی وزیر امـــور خارجه- آذر ۹۷- در سومین سمینار همکاری‌های هسته‌ای ایران و اتحادیه اروپا گفت:«مزایای برجام نزدیک به صفر شده است».

قیمت دلار که تا پیش از برجام حدود ۳ هزار تومان بود، در پسابرجام تا حـــدود ۲۰ هزار تومان افزایش یافت. قیمت پراید از ۲۰ میلیون در پیش از برجام به حدود ۵۰ میلیون در پسابرجام افزایش یافت. سکه از یک میلیون تومان به حدود ۵ میلیون تومان رسید. بر همین اساس در پسابرجام، ارزش پول ملی کاهش و سفره مردم نیز کوچک شد.

در اردیبهشت ۹۷، دولت آمریکا از برجام خارج شد. مقامات ارشد دولت پیش از آن اعلام کرده بودند که در صورت وقوع چنین اتفاقی، پاسخ ایران فوری، غیرقابل تصور، پشیمان‌کننده و دردناک خواهد بود. امـــا در نهایت آقای روحانی اعلام کرد که مزاحم رفت و ما برجام را با دیگر اعضاء و از جمله اروپا ادامه می‌دهیم.

۲۵ اردیبهشـــت۹۷ - یک هفته پس از خروج آمریکا از برجام- رسانه‌های منطقه‌ای محتوای مذاکرات دولت آمریکا با اروپا را فاش کردند که نشان می‌دهد آمریکا قبل از خروج از برجام از اروپا برای ادامه فشار به ایران درخصوص اجرای یکطرفه برجام و مقدمه‌چینی برای اجرای برجام موشکی و منطقه‌ای تضمین گرفته است.

منتقدان تاکید کردند که تروئیکای اروپایی (انگلیس، فرانسه، آلمان) در توافق سعدآباد- از سال ۸۲ تا ۸۴- و همچنین در توافق برجام- از سال ۹۴ تا ۹۷- مردود شده و ثابت کرده‌اند که در مقابل آمریکا هیچ اراده‌ای برای احقاق حقوق ایران ندارند.

اما در مقابل دولتمردان و رســـانه‌های زنجیره‌ای تاکید کردند که «اروپا پشت ماست» و «حمایت اروپا از برجام بهتر از انتظارها بود» و «حمایت‌های اروپا از ایران تا آبان ۹۷ عملی می‌شود» و موگرینی گفته است «هر چه تهران بگوید» و...

یک ســـال از خروج آمریکا از برجام گذشت. ظریف- اردیبهشت ۹۸- اعلام کرد: «اروپا کمتر از یک درصد از تعهدات برجامی خود را انجام داده است». شورای عالی امنیت ملی در سالگرد خروج آمریکا از برجام (اردیبهشت ۹۸) ضرب‌الاجل ۶۰ روزه‌ای را خطاب به اعضای باقیمانده در برجام صادر کرد. این اقدام دولت، دیرهنگام و حداقلی ولی مهم و تاثیرگذار بود.

پیش از آن روزنامه زنجیره‌ای شـــرق- بهمـــن ۹۷- در اعترافی دیرهنگام نوشته بود: «کم‌کاری اروپا در تأمین منافع اقتصادی ایران از برجام در اطمینان آنها از عدم خروج ایران از این توافق ریشه دارد».

همزمان با ضرب الاجـــل ۶۰ روزه ایران، آمریکا به تکاپو افتاد. از لاف‌زنی و گزافه‌گویی درباره حمله نظامی به ایران و سپس عقب‌نشینی مفتضحانه از این لاف زنی و اعلام شماره تلفن از سوی کاخ سفید برای تماس مقامات ایرانی با ترامپ و پس از آن فرستادن دلال‌ها- نخست‌وزیر ژاپن و وزیر خارجه آلمان- به ایران.

روزنامه «ماینیچی» ژاپن در گزارشی به نقل از مقامات آگاه در دولت این کشور با اشاره به سفر نخست‌وزیر ژاپن به ایران نوشت: «هدف اصلی این سفر، تشویق تهران به مذاکره با واشنگتن است». همزمان با انتشار این خبر، «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا در مصاحبه اختصاصی با «یورونیوز» در پاسخ به پرسشی درباره مذاکره بدون پیش‌شرط با ایران گفت: «در یک سال گذشته رئیس‌جمهور ترامپ اعلام کرده که ما حاضریم بدون هیچ پیش‌شرطی درباره مسائل مختلف از برنامه هسته‌ای گرفته تا برنامه موشکی و فعالیت‌های نظامی و منطقه‌ای ایران گفت‌وگو کنیم و این موضوع تازه‌ای نیست».

پیش از این مقامات دولت اوباما (رئیس‌جمهور سابق آمریکا) بارها به صراحت اعلام کرده بودند که بدون شلیک حتی یک گلوله، توان هســـته‌ای ایران را از کار انداختیم و حـــال نوبت دولت بعدی (دولت ترامپ) اســـت که همین روش را برای از کارانداختن توان موشکی و قدرت منطقه‌ای ایران به کار گیرد.

با کنار هم قرار دادن سه مقطع «امضای برجام»، «خروج آمریکا از برجام (آغاز برجام اروپایی)» و «فرستادن واسطه‌ها به ایران» به این نتیجه می‌رسیم که هدف اصلی طرف مقابل- به سرکردگی آمریکا و نوچه‌هایش (آلمان و ژاپن و...)- دائمی کردن محدودیت‌های برجامی ایران و تعمیم خسارت محض توافق هسته‌ای به حوزه‌های راهبردی از جمله موشکی و منطقه‌ای است.

در این میان بهبود اوضاع اقتصادی ایران و رفع مشکلات معیشتی مردم هیچ جایگاهی در این پروژه ندارد.

تجربه ثابت کرده است که دولت آقای روحانی در حوزه‌های مختلف و به خصوص حوزه سیاست خارجی، حداقل پس از یک‌سال تازه، به حرف منتقدان رسیده و مستقیم یا غیرمستقیم بر اشتباه بودن رویکرد خود اذعان می‌کند.

همان‌قدر که برجام (در دولت اوباما و سپس ترامپ) و بسته‌های اروپا (تحت عنوان اس پی وی و اینســـتکس) به بهبود اقتصاد کشور کمک کرد، سفر افرادی همچون نخست‌وزیر ژاپن نیز معیشت مردم را بهبود خواهد داد.

رهبر معظم انقلاب- ۹ اردیبهشت ۹۴- فرمودند:«کلید حل مشکلات اقتصادی در لوزان و ژنو و نیویورک نیست، در داخل کشور است و همه باید مسئولیت‌های متفاوت خود را در تقویت تولید داخلی به عنوان «تنها راه علاج مشکلات اقتصادی» انجام دهند».

موکول کردن حل مشکلات اقتصادی کشور به مذاکره با آمریکا، و سپس دلخوشی به برجام اروپایی و پس از آن موکول کردن همه چیز به سفر چند دلال- که کشورهایشان به توسری خوردن از آمریکا شهره هستند- در حقیقت، ارسال پالس ضعف به دشمن و گستاخ کردن طرف مقابل در دیکته کردن زیاده‌خواهی خود است.

راه علاج مشکلات کشور، اهتمام جدی به اقتصاد مقاومتی و تکیه بر توان عظیم داخلی است.

مسعود اکبری

تازه‌ترین نوع بهره‌برداری آمریکا از منافقین فاش شد

«حشمت علوی» چهره ضد انقلاب وجود خارجی ندارد آمریکا بارها به او استناد کرده بود!

اینترسپت در گزارشی مشروح و با استناد به اظهارات چندین منبع مطلع و اعضای جداشـــده گروهک منافقین، افشا کرد که حشمت علوی یک فرد واقعی نیست، بلکه اسم رمز پروژه‌ای تبلیغاتی است که توسط گروهـــک منافقیـــن در قالب یک حساب جعلی در بسترهای مختلف شبکه‌های اجتماعی از جمله توییتر و فیسبوک فعالیت می‌کند.

حســـاب توییتـــری ضدایرانی فردی موسوم به «حشمت علوی» برای کسانی که پوشش اخبار ایران در رسانه‌های خارج از کشور را دنبال می‌کنند، آشناســـت. این حساب توییتری در طول چند سال گذشته هزاران مطلب دروغ و تحریف‌شده علیه جمهوری اسلامی ایران منتشر کرده و از زمان روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا نیز تلاش می‌کرد واشـــنگتن را در وهله نخســـت به خـــروج از توافق هسته‌ای، سپس افزایش تحریم‌ها و حتی درگیری نظامی تحریک کند.

با وجود آنکه هواداری آشـــکار این حســـاب توییتری از سرکرده گروهک تروریستی منافقین ماهیت آن به عنوان پروژه پروپاگاندای این گروهک را برای کاربران ایرانی آشکار کرده بود، اما این حساب برای سال‌ها فعال بود و توییتر نیز از مســـدود کردن آن خـــودداری می‌کرد. اما یکشنبه توییتر بالأخره این حساب را تعلیق کرد.

به گزارش فارس، توییتر در مورد این اقدام توضیحی نداده است، اما به نظر می‌رسد این اقدام واکنشی باشد به گزارش افشـــاگرانه‌ای که پایگاه تحقیقی «اینترسپت» در مورد پشت پرده این حســـاب توییتری منتشر کرد. اینترسپت در گزارشی مشروح و با استناد به اظهارات چندین منبع مطلع و اعضای جداشـــده گروهک منافقین، افشا کرد که حشمت علوی یک فرد واقعی نیست، بلکه اسم رمز پروژه‌ای تبلیغاتی است که در قالب یک حســـاب جعلی در بسترهای مختلف شبکه‌های اجتماعی از جمله توییتر و فیسبوک فعالیت می‌کند.

حسن حیرانی از اعضای ارشد سابق گروهک منافقین که می‌گوید مستقیما با این پروژه در ارتباط بوده، به اینترسپت گفته است: حشمت علوی شخصیتی مجازی است که توســـط گروهی از اعضای شـــاخه سیاسی مجاهدین خلق (منافقین) گردانده می‌شود. به گفته حیرانی، این حساب مجازی توسط گروهی از اعضای منافقین در آلبانی مدیریت می‌شود و هیچ وقت یک شخصیت واقعی نبوده و نیست.

اینترسپت نوشته است که تیمی سه نفره از اعضای گروهک منافقین مسئولیت مدیریت حساب حشمت علوی را بر عهده دارند. رضا صادقی یکی دیگر از اعضای سابق گروهک منافقین که اکنون در کانادا زندگی می‌کند هم این موضـــوع را تایید کرده است.

پروپاگاندای رسانه‌های آمریکا با استناد به حساب مجعول

با وجود جعلی بـــودن هویت حشمت علوی، در سال‌های گذشته صدها یادداشت و مقاله با این نام در رسانه‌های دست راستی آمریکایی از جمله «وال اســـتریت ژورنال»، «فوربس»، «هیل»، «دیلی کالر»، «فدرالیســـت» و همچنین پایگاه سعودی «العربیه» منتشر شده است.

حیرانی در مورد تیم پشت این حساب، می‌گوید: آنها هرآن‌چیزی را که فرماندهانشان دستور دهند، می‌نویســـند و از این اســـم برای قرار دادن یادداشت‌ها در رسانه‌ها، اســـتفاده می‌کنند. صادقی هم به اینترسپت گفته است که منافقین در سال‌های گذشته به شکلی فزاینده به اســـتفاده از فضای مجازی برای پروپاگاندای ضدایرانی روی آورده‌اند. وی می‌گوید: ما همیشـــه مشغول ساختن خبرهای غلط بودیم تا آنها را در رسانه‌های خارجی و ایران پخش کنیم. در اردوگاه‌اشرف، رایانه‌هایی برای عملیات‌هـــای خبری آنلاین، مســـتقر شده بود. در طول سال‌ها، با شـــکل‌گیری عرصه شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک و توییتر، این فعالیت تشدید شده است.

در یادداشت‌های متعددی که با نام علوی در رسانه‌های آمریکایی منتشر شده، همواره ادعاهایی علیه جمهوری اســـلامی ایـــران عنوان شـــده و نهایتا با این جمع‌بندی به پایان رسیده که یک نظام سیاسی به ریاســـت مریم رجوی سرکرده منافقین جایگزین مناسبی برای نظام جمهوری اسلامی است. به نوشته اینترسپت، هیچ یک از رسانه‌هایی که یادداشـــت‌هایی با نام حشمت علوی منتشـــر کرده‌اند، تاکنون نه چنیـــن فردی را دیده‌اند و نه حتی با وی صحبت کرده‌اند. به گفته این رسانه‌ها، نویسنده این یادداشت‌ها، پولی هم برای نوشتن این مطالب از رسانه‌ها طلب نکرده است.

استناد کاخ سفید به نوشته‌های حشمت علوی!

بنابـــر ایـــن گـــزارش، علاوه‌بر رسانه‌های دست راستی آمریکا، حتی کاخ سفید نیز در مواردی برای توجیه رســـانه‌ای اقدامات ضدایرانی خود از جمله خروج از توافق هسته‌ای و اعمال تحریم‌های تازه علیه مردم ایران، به اطلاعات مندرج در یادداشت‌های وی استناد کرده است.

جیـــاف گلبرگ، کارشـــناس شـــبکه‌های اجتماعی و مؤســـس شرکت «سوشال کارتوگراف» که حســـاب حشـــمت علوی را مورد بررســـی قرار داده، می‌گوید دیگر حســـاب‌های منافقیـــن به صورت هماهنگ دائما مطالب این حساب را بازنشر می‌کرده‌اند تا این تصور ایجاد شود که تعداد زیادی از ایرانی‌ها از مطالـــب آن و همچنین گروهک منافقین حمایت می‌کنند. گلبرگ می‌گوید: حســـاب حشمت علوی بخشی از یک گروه حساب‌هاست، که سال‌ها مشغول فعالیت هماهنگ غیراصیل (فعالیت با عناوین جعلی) هســـتند. این حســـاب به هزاران حســـاب غیراصیـــل متمرکـــز بر مجاهدین خلق (منافقین) متصل اســـت، که بســـیاری از آنها دائما توییت‌های این حســـاب را بازنشر می‌کنند. هدف از این تلاش‌ها ایجاد توهم وجود حمایتی فراتر از آنچه که واقعا وجود دارد، است.

پیش از این، نشریه مادر جونز گزارش داد که گروهی متشـــکل از بالـــغ بر ۴۰۰ حســـاب کاربری در توئیتر هســـتند که بطور منظم پیام‌هایی را در مخالفت با جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌کنند. برخی از این حســـاب‌های کاربری ربات، عـــده‌ای کاربران واقعـــی و عده‌ای دیگر ســـایبورگ (حساب‌هایی که توسط افراد واقعی کنترل می‌شوند اما فعالیت آنها برای انتشار پیام‌های بیشتر و سریع‌تر توسط فعالیت‌های ماشینی تقویت می‌شود) هستند. این حســـاب‌های کاربـــری اغلب توئیت‌هایـــی در حمایت از تغییر نظام ایران منتشر می‌کنند و بسیاری از آنهـــا حامی گروه تروریســـتی منافقین هســـتند که حتی طبق تحقیقـــات وزارت خارجه آمریکا هیچ پایگاهی در میان مردم ایران ندارند. مارک آونز اســـتاد دانشگاه اِگزتر انگلیس پس از بررسی نحوه عملکرد حســـاب‌های توئیتری به الجزیره گفت: اکثر حســـاب‌هایی که هشتگ‌های# ایران_را_آزاد_کنیـــد و # تغییر_رژیم_ایران را از اواخر دســـامبر (اوایل دی ۹۶) تا مِـــی توئیت می‌کردند، در یک بازه زمانی چهار ماهه ایجاد شدند. این بدان معناســـت که استفاده زیاد از این هشتگ‌ها، نشـــان‌دهنده این است که آنها توسط ربات‌ها توئیت می‌شوند.

گفت و شنود

بی‌خیال!

گفت: یک ســـایت زنجیره‌ای نوشته است؛ همین که کیهان سفر شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن به تهران را بی‌فایده و منفی دانسته است نشان می‌دهد که این سفر دستاوردهای مثبتی دارد!

گفتم: کاش فقط به یک نمونه از پیش‌بینی‌های کیهان که دقیق و صحیح نبوده است اشاره می‌کرد و بعداً برای خوشامد ژاپنی‌ها و هم‌حزبی‌های خود نوشابه باز می‌کرد!

گفت: مرد حسابی، از این زنجیره‌ای‌ها چه توقعات بی‌جایی داری؟ مامورند و معذور! درباره همین برجام چه کف و ســـوتی زدند و چقدر پاچه‌خواری کردند که چه نشســـته‌اید فتح‌الفتوح شده، همه تحریم‌ها برداشته شده! و... اما حالا که خواجه‌حافظ هم فهمیده حق با کیهان بود که به طور مستند با آن مخالفت می‌کرد، به جای عذرخواهی و توبه از دروغ‌هایی که تحویل ملت داده‌اند باز هم به کیهان بد و بیراه می‌گویند.

گفتم: بی‌خیال نان به نرخ روز خورها! به قول شاعر؛

هر کـــس بد ما بـــه خلق گوید
مـــا دل به غمش نمی‌ســـپاریم
ما خوبـــی او به خلـــق گوییم
تا هـــر دو دروغ گفته باشـــیم

سفر علی نوبخت به آمریکا انتخابات کمیسیون بهداشت را به تعویق انداخت!

انتخابات هیئت‌رئیســـه کمیســـیون بهداشت و درمان مجلـــس به دلیل ســـفر علی نوبخت به آمریکا برای دیدار با فرزندانش به تعویق افتاد.

خبرگزاری مهر گزارش داد بنا بر خبرهای رسیده دلیل اصلی به تعویق افتادن انتخابات هیئت‌رئیسه مجلس شورای اســـلامی سفر «غیرکاری» علی نوبخت عضو کمیسیون بهداشت و درمـــان به آمریکا بـــرای دیدار با فرزندانش است.

نوبخت به نمایندگان همسوی خود در کمیســـیون گفته اســـت می‌خواهم نامزد ریاست کمیسیون باشـــم، از ایـــن‌رو تـــلاش کنید تا انتخابات هیئت رئیســـه برای یک هفته به تعویق بیفتد تا بتوانم پس از بازگشـــت به ایـــران در انتخابات شرکت کنم.

نمایندگان همسوی نوبخت نیز با اعضای کمیسیون رایزنی کردند و در نهایـــت باعث شـــد انتخابات هیئت‌رئیســـه کمیسیون بهداشت هفته آینده برگزار شود.

علی نوبخت در حال حاضر عضو کمیســـیون بهداشت مجلس است و در دوره دوم مجلـــس دهـــم نیز ریاســـت این کمیسیون را بر عهده داشت.

ربیعی:

تغییر دیگری در دولت نخواهیم داشت

سخنگوی دولت درخصوص شایعات مطرح شده پیرامون احتمال وقـــوع تغییرات در ترکیب کابینه، گفت: تغییرات دیگری در دولـــت نخواهیم داشت.

علی ربیعی ســـخنگوی جدید دولت در پاســـخ به سؤالی درمورد برخی شـــایعات مبنی بر احتمال اســـتعفای دو وزیر دیگر، هرگونه تغییـــر در ترکیب دولـــت اعم از استعفای وزیران را رد کرد و اظهار داشت: روز گذشته با وزیر صنعت و وزیر علوم دیدار داشـــتم و هر دو نفر آنها از انتشار این گونه اخبار در رسانه‌ها و فضای مجازی ابراز گله و ناراحتی کردند.

این اظهارات در حاشیه نشست غیرخبری روز گذشـــته (دوشنبه) ربیعی در کسوت سخنگویی دولت با خبرنگاران مطرح شـــد. ربیعی همچنیـــن از برگزاری نخســـتین نشست خبری سخنگوی دولت در روز چهارشـــنبه در حاشیه جلسه هیئت دولت خبر داد.

سه‌شـــنبه ۲۶ تیر ۹۷ بود که آخرین نشست مطبوعاتی سخنگوی دولت با حضور خبرنگاران برگزار شد و پس از آن محمدباقر نوبخت برای آنچه تمرکز بیشـــتر روی سازمان برنامه و بودجه خوانده شـــد از این ســـمت کناره‌گیری کـــرد. دولت روحانی پس از اســـتعفای نوبخت از سخنگویی دولت، نزدیک به یک سال سخنگو نداشـــت. موضوعی که با توجه به شـــرایط حســـاس کشـــور انتقادهای فراوانی از سوی محافل سیاسی و رسانه‌ای را متوجه دولت کرد. در نهایت ســـوم خرداد رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور از انتخاب علی ربیعی به عنوان ســـخنگوی دولت خبر داد .

ربیعی روز گذشته در نشست غیررســـمی با خبرنـــگاران حوزه دولت، ضمن شنیدن نقطه نظرات و همچنین پیشـــنهادات اصحاب رسانه برای تعامل بیشتر و بهتر با رسانه از ایجاد تحول در سخنگویی دولت خبر داد و خواستار همکاری و مشـــارکت همه رســـانه‌ها برای تاثیرگذاری مثبت در جامعه شد.

خبر ویژه

رای‌الیوم: مقاومت ایرانی‌ها دولت ترامپ را به گدایی انداخته است

یک تحلیلگر ارشد جهان عرب تصریح کرد: ایرانیان مردانی واقعی هستند ودولت ترامپ به‌خاطر مقاومت ایرانی‌ها، به گدایی مذاکره افتاده است.

عبدالباری عطوان در رای‌الیوم نوشت: ایرانیان مردانی واقعی هستند که نه تنها در برابر شرط‌های آمریکا تسلیم نشده و نمی‌شوند بلکه کاری کرده‌اند که واشنگتن برای گفت‌وگو با تهران گدایی کند.

امارات، عربستان و نروژ که نفتکش‌های آنها در بندر الفجیره منفجر شد، یک ماه پس از انفجار، گزارش اولیه‌ای به شـــورای امنیت سازمان ملل ارائه کردند. مسئله قابل توجه در این گزارش این است که آنها به هیچ عنوان به ایران اشاره نکردند و گفتند برخی طرف‌های ناشناس اقدام به این حمله کردند.

چرا آنها به نام ایران اشـــاره نکردند؟ آنها گفتند که فقط یک کشـــور می‌تواند چنین حمله‌ای انجام دهد. چرا این کشـــور ناشناس است؟ پمپئو مدعی شـــده بود ایران این حمله را انجام داده اســـت. بولتون هم گفته بود همه گمانه‌زنی‌ها علیه ایران است. پس چرا آنها ترسیدند نام ایران را ببرند؟ آنها به دو علت ترسیدند. علت اول این است که آنها ادله کافی ندارند چون عملیات بسیار با دقت انجام شده بود. آنها اگر بخواهند به نفتکش‌های حامل نفت حمله کنند، باعث ایجاد بحران در منطقه خلیج فارس خواهند شـــد. تصور کنید چهار نفتکش غول‌پیکر منفجر شـــد. غواصان به این نفتکش‌ها رسیدند و در آنها مین قرار دادند و نفتکش‌ها را منفجر کردند. غواصان عمدا به نفتکش‌هایی که حامل نفت نبودند، حمله نکردند. آنها عمدا طوری حمله کردند که هیچ نفتی از نفتکش‌ها نشت نکند. این‌ها پیام است. غواصان اقدام به این حملات کردند و با قایق‌های تندرو به عقب بازگشـــتند و هیچ‌کس آنها را رصد نکرد. شما که صدها میلیارد دلار برای دستگاه‌های رادار و برای رصد کردن و به‌دست آوردن اصلاعات هزینه می‌کنید، چطور این قایق‌های تندرو را ندیدید؟ فایده این ســـلاح‌ها و رادارها و میلیاردها دلاری که تلف می‌کنید، چیست؟

مسئله دوم به نظر من این است که اگر آنها بگویند ایران این حملات را انجام داده است، در این صورت آمریکا باید پاسخ دهد. اما آمریکا نمی‌خواهد پاسخی دهد. چون دچار وحشت شده است. اگر آمریکا پاسخ دهد، در این صورت همه هواپیماها، کشتی‌ها و نفتکش‌های این کشور منفجر خواهد شد. این یک پیام بود؛ مبنی بر اینکه ما توانستیم به چهار نفتکش برسیم و مسئله تمام شد. همه منطقه خلیج فارس پُر از نفتکش است. اگر آنها تنگه هرمز را نبندند، در این صورت نفتکش‌ها را ویران می‌کنند. در این صورت آمریکا می‌خواهد چه‌کار کند؟ آمریکایی‌ها ترسیده‌اند. آمریکا اکنون برای گفت‌وگو (با ایران) گدایی می‌کند.

ایرانیان مرد هستند. آنها می‌گویند ما نمی‌خواهیم بازیچه باشیم و با شما گفت‌وگو کنیم. باید در وهله نخست تحریم‌ها را لغو کنید. ما درباره مسئله موشک‌های بالستیک به‌هیچ عنوان مذاکره نمی‌کنیم و باید (آمریکا) به توافق هسته‌ای بازگردد. کسی که قوی باشد شرط‌های خود را تحمیل می‌کند. اما ما (عرب‌ها) فرمانبر و مزدور هستیم. این فاجعه‌ای است که ما (عرب‌ها) با آن روبه‌رو هستیم. ایرانیان تظاهرات روز قدس را برپا کردند. میلیون‌ها نفر در این روز تظاهرات کردند. اما ما قدس و فلسطین را فراموش کرده‌ایم. آنها (حکام عرب) می‌گویند نزاع میان فلسطین و اسرائیل است. آنها برای اجرای معامله قرن بسیج شده‌اند و می‌خواهند نشستی در این زمینه برگزار کنند اما اکنون فهمیده‌اند که هیچ‌کس در این نشست شرکت نمی‌کند. آنها فهمیدند پیش از آن‌که در بحرین گرد هم آیند، محور مقاومت معامله قرن را نابود کرد. این مردانگی است. آنها (مقاومت) کاملاً معامله قرن را لغو کردند. موشـــک‌های مقاومت و سخنرانی سیدحسن نصرالله در روز جهانی قدس، معامله قرن را کاملاً لغو و نابود کرد.

وعده‌های غذایی مردم را نشمرید وظیفه شما مهار گرانی است جناب وزیر

«انصاف نیســـت که وزیر نیرو بگوید چینی‌ها با یک وعده غذا هم رفع گرسنگی می‌کنند و اینجا در ایران از سه وعده هم می‌گذرند»

روزنامه آرمان ضمن انتشار این نقد نوشت: در اقتصاد خانوارهای ما هم حتی با همین وضعیت فعلی، مردمی هســـتند که با سیلی صورت خود را سرخ نگه داشته‌اند و با همه فراز و نشیب‌های اقتصاد کلان که مسبب آن تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیرندگان و دولت است، ساخته‌اند و کنار آمده‌اند و صدایشان هم در نیامده است. بنابراین نمی‌توانیم این مقایسه را انجام دهیم و بگوییم کمتر بخوریم و یک وعده بخوریم! چرا ساختار شکل‌گیری بافت مردمی ما با آمریکا و اروپا یا همین کشور ترکیه مورد مقایسه قرار نمی‌گیرد.

ترکیه با یک سوم هزینه‌هایی که ما برای کشور اختصاص می‌دهیم، خود را اداره می‌کند و فعالیت‌ها را به بخش خصوصی واگذار کرده اســـت اما ما حتی دلمان نمی‌آید که دو تا باشگاه پرسپولیس و استقلال را واگذار کنیم چون دولت می‌خواهد حتی دستی در فوتبال هم داشته باشد!

به‌نظر می‌رسد دولت و هرکدام از عزیزان وزرا باید سعی کنند در حیطه خود کار را به نهایت و درستی انجام دهند و یک رفاهی را برای شکل‌گیری حال مردم قرار دهیم. اگر آب، برق، گاز درست مصرف نمی‌شود و اگر مصرف بنزین در حد بالایی است، نگاه کنیم که به امکانات زیربنایی مثل سیستم‌های ریلی در حمل و نقل چقدر پایبند بوده‌ایم و چقدر در این زمینه سرمایه‌گذاری کرده‌ایم که مردم به جای اســـتفاده از ماشین‌های شخصی به‌خصوص در تعطیلات که جاده‌ها در حال انفجار است از آن سیستم استفاده کنند؟ در سیستم‌های حمل و نقل هوایی چقدر سرمایه‌گذاری وسیع انجام داده‌ایم که از مردم بخواهیم در این شرایط کمتر بنزین مصرف کنند؟

دور از انصاف اســـت که بگوییم یک کشـــور یک وعده غذا می‌خورند و اینجا از ســـه وعده هم می‌گذرند! این نوع تحلیل نمی‌تواند قابل پذیرش و قابل ارزش برای مردم باشد بلکه دولت و مجلس باید برای رفاه مردم قدم بردارند. تصور کنیم که در این چندســـال اخیر واقعاً چه قدمی برای مردم به لحاظ رفاه و اقتصادی برداشته‌ایم؟ آیا از دست دولت جز گران‌کردن کار دیگری هم برآمده؟ همه خدمات نظیر آب، برق، گاز، تلفن، ارز، متعاقب آن محصـــولات کارخانجات، صنعت و همه آنچه در اختیار دولت بوده و مردم نیاز داشتند، گران شده و مردم هم زیر بار این بار سنگینی تحمل کرده‌اند و صدایشان درنیامده است.

ما زندگی مردم را به اقتصاد نفتی گره زده‌ایم و اثر آن را با بالا و پایین‌رفتن قیمت نفت روی ارز و تک‌تک آحاد مورد مصرف یک مصرف‌کننده شاهدیم. از کالای مصرفی گرفته تا کالاهای سرمایه‌ای مثل مسکن و خودرو و امثالهم. قیمت یک پراید که به ۲۰ میلیون تومان رسید یک باره به بالای ۵۰ میلیون تومان رسیده و انگار نه انگار. مسکن یک‌باره چندبرابر افزایش پیدا کرد و به‌طور میانگین بیش از ۵۰ درصد افزایش یافت و تمام اینها به این دلیل است که به عامل مردم توجهی نداریم. در حالی که نقدینگی کشور در اختیار ۱۰ درصد جامعه و به همین میزان هم ســـرمایه و پول در اختیار دارند، رستوران‌ها و خودروهای آنچنانی مورد استفاده این گروه اقلیت است.

همین‌جوری هم از چشم مردم افتاده‌ایم دیگر جنایت نجفی را هم نزنیم!

یک روزنامه زنجیره‌ای، از اصلاح‌طلبان خواست ماجرای جنایت محمدعلی نجفی علیه همسرش را درز بگیرند و موجب آبروریزی بیشتر علیه اصلاح‌طلبان در شرایطی که از چشم مردم افتاده‌اند، نشوند.

آفتاب یزد می‌نویســـد: مســـئله پیرامون نجفی و اعترافات تلخ او طی روزهای اخیر بهانه‌ای برای برخی از اصلاح‌طلبان جهت تسویه حساب‌های حزبی و فردی و انتقادات تند و تیز نسبت به برخی دیگر از احزاب این جریان به‌وجود آورد. مصداق بارز این وضعیت، توئیت و یادداشت اخیر غلامحسین کرباسچی دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی است. او در نخستین توئیتش طی واکنشی به قتل میترا استاد نوشته بود: «نمی‌توان مسئولیت کسانی را که این چاه ویل را برای اصلاحات و نجفی حفر کردند، نادیده گرفت.» کرباسچی در روزنامه سازندگی به شفاف‌سازی درباره توئیت اخیرش پرداخت و حزب اتحاد و مشارکت را در شهردار شدن نجفی مقصر دانست و گفت که اصرار برخی از دوستان اصلاح‌طلب علی‌رغم اطلاع داشتن از مسئله نجفی منجر به شهردارشدن و در نتیجه حوادث مربوط به او شد.

در بحبوحه ماجرای قتل «میترا اســـتاد» همســـر دوم نجفی در حالی که رسانه‌ها و افکار عمومی، ناباورانه به ابعاد فاجعه و اعتراف شهردار سابق اصلاح‌طلب می‌نگریســـتند، توئیت غلامحسین کرباسچی دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی شوک‌زدگی‌ها را دوچندان کرد او در شرایطی که افکار عمومی به دنبال چیستی و چرایی ابعاد فاجعه بودند، مسائلی را مطرح کرد که نه تنها به ابهامات پیرامون نجفی دامن زد بلکه به نحوی، اصلاح‌طلبان را نزد افکار عمومی در این مسئله مقصر نشان داد.

اظهارات کرباســـچی آنهم در شـــرایط کنونی که فضـــا چندان به نفع اصلاح‌طلبان نیست، چه مفهومی جز سوءاستفاده حزبی و فردی می‌تواند داشته باشد؟ امری جز زیان و ضرر متوجه مجموعه جریان اصلاحات نمی‌سازد.

حتی اگر اصرار اصلاح‌طلبان منجر به شهردارشـــدن نجفی و مشکلات کنونی پیرامون او شـــده باشـــد، باز هم طرح چنین مباحثی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی جای هیچ‌گونه توجیه ندارد. چرا که طرح این قبیل از مسائل در رسانه‌ها بیشتر به شائبه‌ها و ابهامات پیرامون نجفی و اصلاح‌طلبان دامن زده و اعتماد افکار عمومی را نسبت به این جریان تقلیل خواهد داد. به همین دلیل شرایط کنونی به ویژه پس از اعترافات شهردار سابق نسبت به قتل میترا استاد ایجاب می‌کند که دعواهای جناحی به سطح رسانه و افکار عمومی ســـرایت نکند. به عبارتی، نه تنها مصالح حزبی بلکه منافع جامعه نیـــز چنین الزامی را به وجود می‌آورد که هر یک از احزاب اصلاح‌طلب که دیگری را در شهردار شدن نجفی مقصر می‌داند، مسائل مربوط به نجفی و سهم هر یک از اصلاح‌طلبان در شهردار شدن او را پشت درهای بسته مورد نقد و بررسی قرار دهند.

سفره ۷۰ درصد مردم با سوءمدیریت دولت کوچک شد

یک روزنامه حامی دولت می‌گوید گرانی ناشـــی از بی‌تدبیری، ســـفره ۷۰ درصد مردم را کوچک کرده است.

روزنامه جهان صنعت نوشت: ادامه گرانی کالاهای اساسی سفره نزدیک به ۷۰ درصد از مردم